

دکتر عزت‌الله رزاقی \*

**در سوگ نویسنده و دانشمند زبانشناس و محقق  
حضرت استاد دکتر مهدی روشن ضمیر**

ای دل عزا بگیر که روشن ضمیر رفت  
ای تن سیه بهوش که دانا دبیر رفت  
آن عارف خردور و آن رند دلستان  
بستاند دین و دل ز صغیر و کبیر، رفت  
آنکو به شهر زنده‌دلان گشتم و نبود  
قلبی به عشق او که نباشد اسیر، رفت  
آنکو نظر ز هر چه که جز یار، برگرفت  
بود آنچنان ز لطف نظر بی نظیر رفت

---

\* از دوستان استاد روانشاد، دکتر روشن ضمیر

در عین خاکساری و لطف و فروتنی  
عمری دلیر زیست و آنگه دلیر رفت  
همچون پری بری ز خطا و گناه زیست  
دل داده‌ای که سوی جنان دلپذیر رفت  
از کلک خود به ملک ادب عطر گل دمید  
چون عود سوخت تا که فشانند عبیر رفت  
مستغنی از مطامع این روزگار دون  
فارغ ز لطف شیخ و اسیر و وزیر رفت  
سلطان نثر بود و غم شهریار شعر  
چون برتافت از پی او ناگزیر رفت  
«نزهت» بجان زنده دلان دوست زنده است  
آن یار نازنین مگرت از ضمیر رفت  
«هرگز نمیرد آنکه دلش زنده شد به عشق»  
زین خاکدان تیره اگر زود و دیر رفت